

تأثیر ویتامین D3 در جلوگیری از پیشرفت بیماری انسفالومیلیت خود ایمن تجربی در موشهای نژاد C57BL/6

چکیده

زمینه و هدف: بیماری مولتیپل اسکلروزیس (Multiple sclerosis=MS)، یک بیماری خود ایمن مزمن با اتیولوژی ناشناخته می باشد که سیستم عصبی مرکزی را گرفتار می سازد. شیوع بیماری در مناطقی که مصرف ویتامین D بالا است، کمتر می باشد. برخی مطالعات نشان می دهد که مصرف ویتامین D3 در جلوگیری از انسفالومیلیت خود ایمن تجربی (Experimental autoimmune encephalomyelitis=EAE)، در مدل حیوانی مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس، مؤثر است. چگونگی تأثیر این ویتامین در جلوگیری از EAE، مشخص نیست. ویتامین D3 ممکن است با تأثیر بر سطح نیتریک اکساید در جلوگیری از پیشرفت بیماری مؤثر باشد. بدین منظور، در این مطالعه اثر ویتامین D3 بر روند EAE القا شده با پپتید (Myelin oligodendrocyte glycoprotein) MOG35-55 و سطح نیتریک اکساید در موشهای نژاد C57BL/6 مورد بررسی قرار گرفت.

روش بررسی: موشهای نژاد C57BL/6 در دو گروه درمانی (هر گروه ۸ سر) با شرایط سنی و وزنی مشابه قرار گرفتند. گروه اول شامل موشهای مبتلا به EAE بود که تحت درمان با ویتامین D3، به میزان ۵ میکروگرم بر حسب وزن ویتامین D3 هر دو روز یک بار به صورت داخل صفاقی، از ۳ روز قبل تا ۱۹ روز پس از ایجاد بیماری، دریافت کردند و گروه دوم شامل موشهای مبتلا به EAE درمان نشده بود که تنها حلال ویتامین را با همان جدول زمانی دریافت نمودند. همچنین ۵ سر موش نژاد C57BL/6 با شرایط سنی و وزنی مشابه به عنوان گروه سالم در نظر گرفته شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که شدت علائم کلینیکی در موشهای تحت درمان با ویتامین D3 ($3/2 \pm 0/8$) در مقایسه با گروه درمان نشده ($5/3 \pm 0/44$) به طور معنی داری کمتر می باشد ($p=0/001$). همچنین در روز شروع حمله بیماری بین گروه تحت درمان با ویتامین D3 و درمان نشده (به ترتیب روز 11 ± 1 و 15 ± 1 پس از القای بیماری)، اختلاف قابل ملاحظه ای مشاهده شد. غلظت نیتریک اکساید در موشهای تحت درمان با ویتامین D3 در مقایسه با گروه درمان نشده، کمتر بود ($p=0/008$) ولی با گروه سالم، تفاوتی را نشان نداد.

نتیجه گیری: با توجه به نقش نیتریک اکساید در پاتوژنز بیماری، به نظر می رسد که ویتامین D3 با مهار تولید نیتریک اکساید و تعدیل پاسخ های ایمنی می تواند باعث کاهش شدت بیماری و تأخیر حمله بیماری گردد؛ لذا ویتامین D3 می تواند در درمان مولتیپل اسکلروزیس مفید باشد.

کلیدواژه ها: ۱- مولتیپل اسکلروزیس ۲- انسفالومیلیت خود ایمن تجربی ۳- ویتامین D3 ۴- نیتریک اکساید ۵- موش نژاد C57BL/6

تاریخ دریافت: ۸۴/۸/۲۸، تاریخ پذیرش: ۸۴/۱۲/۱

مقدمه

مشخص نیست ولی فاکتورهای محیطی و ژنتیکی در استعداد ابتلا به بیماری نقش دارند. با توجه به این که در این بیماری، سیستم عصبی مرکزی درگیر می شود و مشکلات و ناتوانی های متعددی را برای بیمار به دنبال دارد، جلوگیری از

مولتیپل اسکلروزیس (Multiple sclerosis=MS)، یک بیماری خود ایمن است که باعث اختلال در سیستم عصبی مرکزی می گردد. در این بیماری، سیستم ایمنی باعث تخریب میلین رشته های عصبی می گردد.^(۱) اتیولوژی این بیماری

(I) استادیار گروه ایمنی شناسی، دانشکده پزشکی، سردشت، مجتمع پردیس، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی اراک، اراک، ایران (*مؤلف مسؤول).

(II) عضو هیات علمی گروه ایمنی شناسی، دانشکده پزشکی، سردشت، مجتمع پردیس، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی اراک، اراک، ایران.

(III) کارشناس گروه ایمنی شناسی، دانشکده پزشکی، سردشت، مجتمع پردیس، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی اراک، اراک، ایران.

(Experimental autoimmune encephalomyelitis=EAE) استفاده شد.

روش بررسی

جامعه مورد مطالعه، موشهای خالص (inbred) نژاد C57BL/6 با محدوده سنی ۸-۶ هفته بودند، که از مرکز تحقیقات واکسن و سرم سازی رازی تهیه شدند.

این مطالعه از نوع تجربی است که به صورت موردی - شاهدهی انجام شده است.

مقدار ۲۰۰ میکروگرم پپتید MOG35-55 (Myelin oligodendrocyte glycoprotein) با توالی (M-E-V-G-W-) (Y-R-S-P-F-S-R-V-V-H-L-Y-R-N-G-K) و درجه خلوص بیشتر از ۹۵٪ (خریداری شده از شرکت Diapharm روسیه)، در ۱۰۰ میکرولیتر بافر فسفات سالین (Phosphate buffered saline=PBS) با ۱۰۰ میکرولیتر ادجوانت کامل فروند (Sigma)، مخلوط و به صورت زیر جلدی در ناحیه پشت به هر موش C57BL/6 تزریق گردید. مقدار ۴۰۰ نانوگرم سم سیاه سرفه (Pertussis toxin; Sigma) در حجم ۴۰۰-۳۰۰ میکرولیتر بافر فسفات در مرحله صفر و ۴۸ ساعت بعد از ایمونیزاسیون، به صورت داخل صفاقی تجویز شد.^(۸) جهت گروه کنترل نیز مراحل فوق، اعمال شد با این تفاوت که به آنها پپتید MOG35-55 تجویز نشد. روزانه، روند بیماری و تغییرات وزن موشها مورد بررسی قرار گرفت و شدت بیماری از صفر تا ۸ درجه بندی شد (جدول شماره ۱).^(۹)

جدول شماره ۱- درجه بندی شدت بیماری براساس علائم و پیامدهای تجویز ناشی از پپتید MOG35-55

درجه شدت بیماری	علائم و پیامدها
۰	عدم ابتلا به بیماری
۱	اختلال در حرکت دم
۲	فلج شدن دم
۳	اختلال ملایم در راه رفتن
۴	اختلال شدید در راه رفتن
۵	فلجی یک پا
۶	فلجی هر دو پا
۷	فلجی کامل دست و پا
۸	مرگ

پیشرفت و کنترل بیماری، ارزشمند می باشد. بیماری MS درمان اختصاصی ندارد. استفاده از کورتون ها و عوامل مهار کننده سیستم ایمنی، متداول ترین روش درمانی است. این داروها باعث تضعیف سیستم ایمنی می گردند و احتمال بروز سایر عفونت ها و سرطان ها را در این بیماران افزایش می دهند.^(۲)

مطالعات اپیدمیولوژی نشان می دهد که شیوع MS در مناطقی که بیش تر در معرض نور خورشید هستند، به دلیل نقشی مهمی که اشعه ماوراء بنفش در تولید ویتامین D دارد، کمتر است. همچنین در جوامعی که غذاهای سرشار از ویتامین D مصرف می کنند، شیوع و شدت بیماری کمتر می باشد. این مطالعات نشان از ارتباط ویتامین D با این بیماری دارد. اخیراً استفاده از ویتامین D به عنوان یک عامل تعدیل کننده سیستم ایمنی در درمان این بیماری، مورد توجه محققین قرار گرفته است. هر چند مطالعات in vivo و in vitro نشان می دهند که ویتامین D₃ (فرم فعال ویتامین D) در کاهش شدت بیماری های خودایمن از جمله MS موثر است، ولی هنوز در خصوص چگونگی تاثیر ویتامین D₃ بر مهار بیماری، اطلاعات روشنی در دسترس نمی باشد.^(۳-۵)

مطالعات اخیر نشان می دهد که در این بیماران به دلیل اختلال در سیستم NADPH (Nicotinamide-adenine-dinucleotide phosphate) تولید رادیکال های آزاد افزایش می یابد.^(۱) با توجه به این که در این بیماران سیستم NADPH دچار اختلال می شود، ممکن است میزان تولید نیتریک اکساید افزایش یابد. این عوامل باعث تشدید واکنش های التهابی و در نتیجه تشدید ضایعات مغزی می گردند.^(۶) از این رو این فرضیه مطرح است که ویتامین D₃ ممکن است با مهار تولید نیتریک اکساید، از پیشرفت بیماری جلوگیری نماید.

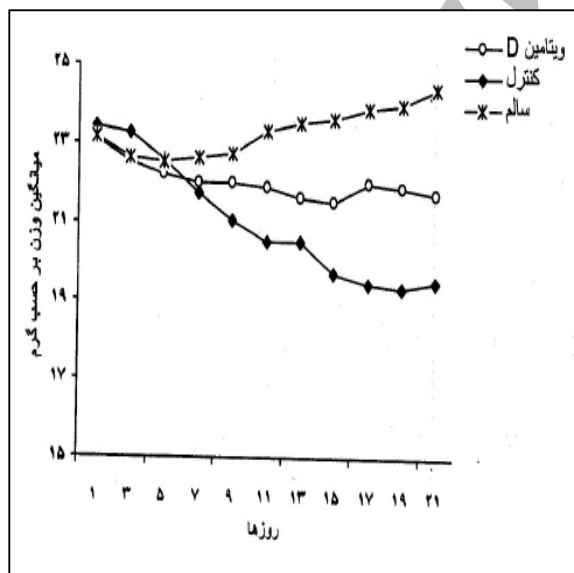
در این مطالعه به منظور بررسی تاثیر این ویتامین در روند بیماری و تاثیر آن بر میزان تولید نیتریک اکساید، از مدل حیوانی بیماری مولتپل اسکلروزیس یعنی انسفالومیلیت اتوایمیون تجربی

نوری حداکثر پس از نیم ساعت با استفاده از اسپکتروفتومتر در طول موج ۵۳۰ نانومتر قرائت شد و از روی منحنی استاندارد، میزان نیتريت در نمونه‌ها تعیین گردید.^(۱۲)

جهت مقایسه میانگین‌ها (میانگین وزن و شدت بیماری)، از روش غیر پارامتریک Mann Whitney-U استفاده شد. از آزمون Friedman به منظور بررسی تغییرات شدت بیماری در هر گروه و نیز از روش اندازه‌گیری تکراری (repeated measurement) برای مقایسه وزن در روزهای مختلف استفاده گردید. $p < 0.05$ به عنوان سطح معنی‌دار بودن داده‌ها در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

با بررسی تغییرات وزن در موشهای مبتلا به EAE درمان نشده (کنترل) و موشهای سالم، مشخص گردید که میانگین وزن موشهای مبتلا به EAE در مقایسه با موشهای سالم به طور معنی‌داری کمتر است ($p = 0.001$). با مقایسه میانگین تغییرات وزن در موشهای مبتلا به EAE درمان نشده (کنترل) و موشهای تحت درمان با ویتامین D₃، مشخص گردید که موشهای تحت درمان با ویتامین D₃، کاهش وزن کمتری در مقایسه با گروه درمان نشده داشتند (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱- مقایسه میانگین تغییرات وزن در موشهای مبتلا به EAE درمان نشده (کنترل) و موشهای مبتلا به EAE تحت درمان با ویتامین D₃ و موشهای سالم

جهت بررسی تاثیر ویتامین D₃ بر روند بیماری EAE، از موشهای نر نژاد C57BL/6 (۸-۶ هفته‌ای) استفاده شد. ۱۶ سر موش، ۳ روز قبل از ایجاد بیماری، به ۲ گروه (در هر گروه ۸ سر) با شرایط سنی و وزنی یکسان تقسیم‌بندی شدند و به صورت زیر تا روز نوزدهم پس از ایجاد EAE، تحت درمان قرار گرفتند:

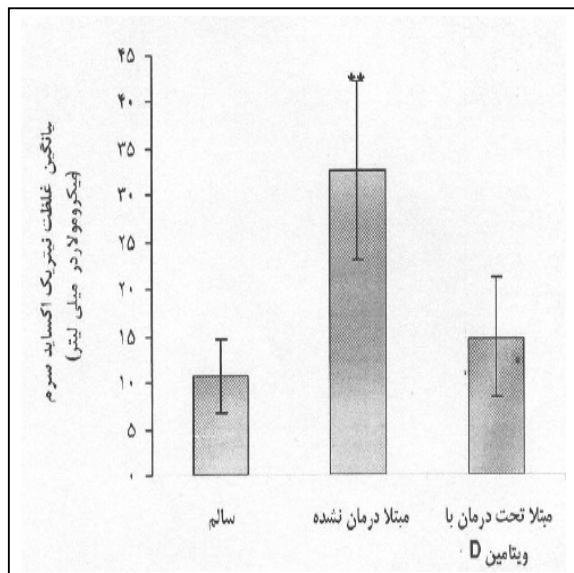
گروه ویتامین D: موشهای مبتلا به EAE که هر ۲ روز یک بار به ازای هر کیلوگرم از وزن بدن، ۵ میکروگرم ویتامین D₃ در ۱۵۰ میکرولیتر روغن کنجد را به صورت داخل صفاقی دریافت کردند.

گروه کنترل: موشهای مبتلا به EAE که هر ۲ روز یک بار، ۱۵۰ میکرولیتر روغن کنجد را به صورت داخل صفاقی دریافت کردند.

در ضمن ۵ سر موش که از نظر جنس، نژاد، سن و وزن با دو گروه مذکور مشابه بودند، به عنوان موشهای سالم غیر بیمار در نظر گرفته شدند که تنها روغن کنجد دریافت نمودند. انتخاب دوز تزریقی ویتامین در این مطالعه، بر اساس مطالعات مشابه‌ای بود که از این ویتامین جهت درمان بیماری‌ها در مدل‌های حیوانی استفاده شده بود.^(۱۰ و ۱۱) پس از گذشت ۱۹ روز از زمان القا EAE، به منظور سنجش نیتريك اكساید سرمی، از موشها خون‌گیری بعمل آمد.

جهت سنجش نیتريك اكساید از روش گریس (Griess) استفاده شد. اختصاراً، از محلول ۰/۱ مولار سدیم نیتريت، غلظت ۱۰۰ میکرومولار، تهیه و از این غلظت، سریال رقت‌های سه‌تایی (به عنوان غلظت‌های استاندارد جهت رسم منحنی استاندارد) تهیه گردید. ۱۰۰ میکرولیتر از هر نمونه سرمی به صورت دوتایی در پلیت ۹۶ حفره‌ای ریخته شد. ۱۰۰ میکرولیتر از محلول سولفانیل آمید (یک گرم سولفانیل آمید در ۱۰۰ سی سی اسید فسفوريك ۵٪) به تمام حفره‌های حاوی نمونه و استاندارد اضافه گردید. پلیت به مدت ۱۰-۵ دقیقه در تاریکی و درجه حرارت اتاق، انکوبه شد. به تمام حفره‌ها ۱۰۰ میکرولیتر محلول N-۱-نفتیل اتیلن دی آمین دی هیدروکلراید (NED)، اضافه و مجدداً پلیت به مدت ۱۰-۵ دقیقه در تاریکی و درجه حرارت اتاق، انکوبه شد. جذب

با موشهای تحت درمان با ویتامین D₃ (9/8±1/4) میکرومولار در میلی‌لیتر) به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است (p=0/008). تفاوت معنی‌داری در میزان نیتریک اکساید در بین موشهای درمان شده با ویتامین D₃ و موشهای سالم مشاهده نشد (نمودار شماره ۳).



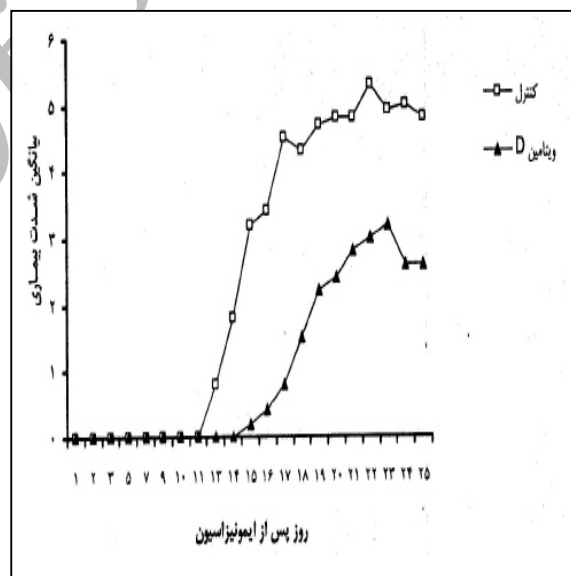
نمودار شماره ۳- مقایسه میانگین غلظت نیتریک اکساید در موشهای سالم و موشهای مبتلا به انسفالومیلیت خودایمن تجربی درمان نشده و درمان شده با ویتامین D₃
 **: p=0/008 اختلاف بین گروه درمان نشده با گروه درمان شده با ویتامین D₃ و گروه سالم

بحث

مطالعات اپیدمیولوژی نشان می‌دهند که شیوع بیماری MS به عوامل جغرافیایی و تغذیه‌ای بستگی دارد. (۱۳ و ۱۴) شیوع MS در مناطق استوایی که بیشتر در معرض نور خورشید هستند در مقایسه با مناطق قطبی، کمتر است. اشعه ماوراء بنفش یکی از منابع مهم تولید ویتامین D در بدن است. بررسی‌های اکولوژی نشان می‌دهند که تماس با مقادیر مناسب اشعه ماوراء بنفش و یا مصرف ویتامین D در حد کافی، می‌تواند از بروز MS جلوگیری کند. (۱۵) مطالعات مختلف نشان می‌دهند که مصرف ویتامین D باعث کاهش شدت بیماری در بیماران مبتلا به MS می‌گردد. نتایج یک

با بررسی روند بیماری در هر گروه و مقایسه روز شروع بیماری و شدت بیماری، مشخص گردید که بین روز شروع بیماری در گروه‌های درمان نشده و درمان شده تفاوت قابل توجهی وجود دارد. روز شروع بیماری در موشهای مبتلا به EAE درمان نشده، ۱۱ روز پس از زمان ایجاد EAE بود؛ در حالی که در موشهای تحت درمان با ویتامین D₃، زمان شروع علائم ۱۵ روز پس از القا EAE بود (نمودار شماره ۲).

با مقایسه میانگین حداکثر شدت بیماری در گروه‌های مختلف، مشخص شد که میانگین حداکثر شدت بیماری در موشهای تحت درمان با ویتامین D₃ (3/2±0/8)، در مقایسه با موشهای مبتلا به EAE درمان نشده (5/3±0/44) کمتر می‌باشد (p=0/001) (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲- مقایسه میانگین شدت بیماری در روزهای مختلف پس از ایمونیزاسیون در موشهای مبتلا به EAE درمان نشده (کنترل) و موشهای مبتلا به EAE تحت درمان با ویتامین D₃

پس از گذشت ۱۹ روز از زمان ایجاد EAE، سرم موشها به طور همزمان، جمع‌آوری و میزان نیتریک اکساید سرم با روش گریس (Griess) مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که میزان نیتریک اکساید در موشهای مبتلا به EAE درمان نشده (3/2±0/8) میکرومولار در میلی‌لیتر) در مقایسه

اکساید سبب بهبود علائم کلینیکی رت‌های مبتلا به EAE می‌شود.^(۲۱) همچنین با مطالعه بر روی رده‌های سلولی میکروگلیال EOC13 نشان داده شد که ویتامین D₃ با مهار سیتوکاین‌های پیش التهابی، موجب کاهش تولید نیتریک اکساید می‌شود.^(۲۲)

به هر حال نتایج مطالعه حاضر نیز نشان داد که در مدل *in vivo* تجویز ویتامین D₃ به موشهای نر نژاد C57BL/6 تولید نیتریک اکساید را کاهش می‌دهد. مکانیسم دقیق کاهش تولید نیتریک اکساید توسط ویتامین D₃ مشخص نیست. شاید ویتامین D با کاهش فعالیت ماکروفاژها، موجب کاهش تولید نیتریک اکساید و تعدیل پاسخ‌های ایمنی گردد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تجویز ویتامین D₃ در موشهای نر نژاد C57BL/6 به طور کامل EAE را مهار نمی‌کند، در حالی که برخی مطالعات نشان از مهار کامل بیماری در موشهای تغذیه شده با این ویتامین دارند. اخیراً Spach و همکاران نشان دادند که ویتامین D₃ به تنهایی در موشهای ماده باعث جلوگیری از EAE می‌شود. آنها در این مطالعه با تغذیه موشهای نر و ماده نژاد B10.PL با ویتامین D₃، نشان دادند که ویتامین D₃ تاثیری در جلوگیری از EAE در موشهای نر ندارد.^(۲۳)

به هر حال نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تجویز ویتامین D₃ در موشهای نر نژاد C57BL/6 نیز باعث کاهش شدت علائم بیماری و تاخیر در شروع حمله بیماری می‌گردد. در هر صورت تفاوت نتایج بدست آمده از مطالعات مختلف در خصوص تاثیر ویتامین D₃ در مهار کامل یا جلوگیری از EAE، ممکن است به دلیل تفاوت در دوز مصرفی ویتامین D₃ و یا نژاد حیوان آزمایشگاهی مورد مطالعه باشد. میهان (Meehan) و همکاران نشان دادند که جهت مهار EAE توسط ویتامین D₃، رسپتور این ویتامین ضروری است.^(۲۴) این احتمال را می‌توان مطرح نمود که تفاوت نتایج حاصله از مصرف ویتامین D در مهار کامل یا جلوگیری کامل از EAE، ناشی از میزان بیان رسپتور ویتامین D در نژادهای مختلف حیوانی یا انسانی باشد.

مطالعه بر روی جمعیت مبتلا به MS در استرالیا نشان داد که ژنهای کد کننده رسپتور ویتامین D، در خطر ابتلا به بیماری نقش دارند و در کسانی که میزان بیان این رسپتور کمتر می‌باشد، خطر ابتلا به MS بیشتر است. تغییر در بیان این رسپتور در جمعیت، سبب ایجاد اشکال بالینی مختلف MS از نظر شدت علائم می‌گردد.^(۱۶) برخی گزارشات نیز نشان از اثر تنظیمی ویتامین D بر روی سیستم ایمنی دارند و ویتامین D از این طریق مانع از ایجاد MS یا EAE می‌شود.^(۱۷) در هر صورت مکانیسم دقیق اثر ویتامین D در جلوگیری از بیماری یا کاهش شدت علائم بالینی بیماری مشخص نیست.

با توجه به اینکه نیتریک اکساید به عنوان یک رادیکال آزاد در پاتوژنز خیلی از بیماری‌ها از جمله مولتیپل اسکلروزیس دخالت دارد، این فرضیه مطرح می‌شود که ویتامین D₃ از طریق مهار تولید نیتریک اکساید سبب مهار بیماری می‌گردد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میزان نیتریک اکساید سرم موشهای مبتلا به EAE تحت درمان با ویتامین D₃ در مقایسه با موشهای درمان نشده، به طور معنی‌داری کاهش نشان می‌داد. همچنین در موشهای تحت درمان، تاخیر در روز شروع بیماری و کاهش شدت علائم بالینی مشاهده شد. این نتایج نشان داد که کاهش نیتریک اکساید می‌تواند موجب کاهش شدت علائم بیماری و تاخیر در شروع حمله بیماری گردد.

در خصوص تاثیر ویتامین D₃ در میزان نیتریک اکساید، نظرات متفاوتی مطرح است. برخی بررسی‌ها نشان می‌دهند که ویتامین D₃ از طریق افزایش تولید نیتریک اکساید سبب افزایش قدرت ماکروفاژها در کشتن مایکوباکتریوم می‌گردد.^(۱۸ و ۱۹) در حالی که چانگ (Chang) و همکاران نشان دادند که سلول‌های تک هسته‌ای خون محیطی بیماران مبتلا به سل، نیتریک اکساید کمتری را در مقایسه با گروه کنترل تولید می‌کنند. آنها نشان دادند که ویتامین D₃ با مهار mRNA نیتریک اکساید سنتتاز، به طور معنی‌داری تولید نیتریک اکساید را کاهش می‌دهد.^(۲۰) همچنین Garcion و همکاران نشان دادند که ویتامین D₃ با مهار تولید نیتریک

MOG(35-55) peptide in C57BL6/J strain of mice. *J Autoimmun* 2003; 20(1): 51-61.

9- Skundric DS, Zakarian V, Dai R, Lisak RP, Tse HY, James J. Distinct immune regulation of the response to H-2b restricted epitope of MOG causes relapsing-remitting EAE in H-2b/s mice. *J Neuroimmunol* 2003; 136(1-2): 34-45.

10- Deluca HF, Cantorna MT. Vitamin D: its role and uses in immunology. *FASEB J* 2001 Dec; 15(14): 2579-85.

11- Lemire JM, Archer DC. 1, 25-dihydroxyvitamin D₃ prevents the in vivo induction of murine experimental autoimmune encephalomyelitis. *J Clin Invest* 1991 Mar; 87(3): 1103-7.

12- Bredt DS, Synder SH. Nitric oxide: A physiologic messenger molecule. *Ann Rev Biochem* 1994; 63: 175-186.

13- Ponsonby AL, Lucas RM, Van der Mei IA. A potential role for UVR and Vitamin D in the induction of Multiple sclerosis, Type 1 Diabetes, Rheumatoid Arthritis. *Photochem Photobiol* 2005; 81(6): 1267-75.

14- Schwarz S, Leweling H. Multiple sclerosis and nutrition. *Mult Scler* 2005; 11(1): 24-32.

15- Holick MF. Sunlight and vitamin D for bone health and prevention of autoimmune diseases, cancers, and cardiovascular disease. *Am J Clin Nutr* 2004 Dec; 80(6 Suppl): 1678S-88S.

16- Tajouri L, Ovcacic M, Curtain R, Johnson MP, Griffiths LR, Csurhes P, et al. Variation in the vitamin D receptor gene is associated with multiple sclerosis in an Australian population. *J Neurogenet* 2005 Jan-Mar; 19(1): 25-38.

17- May E, Asadullah K, Zugel U. Immunoregulation through 1,25-dihydroxyvitamin D₃ and its analogs. *Curr Drug Targets Inflamm Allergy* 2004 Dec; 3(4): 377-93.

18- Waters WR, Palmer MV, Monnecke BJ, Whipple DL, Horst RL. Mycobacterium bovis infection of vitamin D-deficient NOS2-/-mice. *Microb Pathog* 2004 Jan; 36(1): 11-17.

19- Waters WR, Nonnecke BJ, Rahner TE, Plamer MC, Whipple DL, Horst RL. Modulation of Mycobacterium bovis-specific responses of bovine peripheral blood mononuclear cells by 1,25-dihydroxyvitaminD₃. *Clin Diagn Lab Immunol* 2001 Nov; 8(6): 1204-12.

20- Chang JM, Kuo MC, Kuo HT, Hwang SJ, Tsai JC, Chen HC, et al. 1-alpha,25-dihydroxyvitamin D₃ regulates inducible nitric oxide synthase messenger RNA expression and nitric oxide release in macrophage-like RAW 264.7 cells. *J Lab Clin Med* 2004; 143(1): 14-22.

نتیجه گیری

در مجموع با توجه به نقش نیتریک اکساید در پاتوژنز بیماری، به نظر می‌رسد که ویتامین D₃ با مهار تولید نیتریک اکساید و تعدیل پاسخ‌های ایمنی می‌تواند باعث کاهش شدت بیماری و تاخیر حمله بیماری گردد. لذا ویتامین D₃ می‌تواند در درمان مولتیپل اسکلروزیس موثر باشد.

تقدیر و تشکر

این مطالعه با استفاده از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی اراک در قالب طرح تحقیقاتی (شماره ثبت: ۱۴۸) انجام گردیده است که بدین وسیله نویسندگان مقاله مراتب تقدیر و تشکر خود را از مسئولین آن مرکز ابراز می‌دارند.

فهرست منابع

- 1- FoxEJ. Immunopathology of multiple sclerosis. *Neurology* 2004 Dec 28; 63(12 Suppl 6): S3-7.
- 2- Soelberg Sorensen P. Multiple sclerosis: pathophysiology revisited. *Lancet Neurol* 2005; 4(1): 9-10.
- 3- Van Amerongen BM, Dijkstra CD, Lips P, Polman CH. Multiple sclerosis and vitamin D: An update. *Eur J Clin Nutr* 2004 Aug; 58(8): 1095-109.
- 4- Van Etten E, Branisteanu DD, Overbergh L, Bouillon R, Verstuyf A, Mathieu C. Combination of a 1, 25-dihydroxyvitamin D₃ analog and a bisphosphonate prevents experimental autoimmune encephalomyelitis and preserves bone. *Bone* 2003 Apr; 32(4): 397-404.
- 5- Nataf S, Garcion E, Darcy F, Chabannes D, Muller JY, Brachet P. 1, 25-dihydroxyvitamin D₃ exerts regional effects in the central nervous system during experimental allergic encephalomyelitis. *J Neuropathol Exp Neurol* 1996 Aug; 55(8): 904-14.
- 6- Emerson MR, Le Vine SM. Hemeoxygenase-1 and NADPH cytochrome P450 reductase expression in experimental allergic encephalomyelitis: A expanded view of the stress response. *J Neurochem* 2000 Dec; 75(6): 2555-62.
- 7- Van der Veen RC. Nitric oxide and T helper cell immunity. *Int Immunopharmacol* 2001 Aug; 1(8): 1491-500.
- 8- Costa O, Divoux D, Ischenko A, Tron F, Fontaine M. Optimization of an animal model of experimental autoimmune encephalomyelitis achieved with a multiple

21- Garcion E, Sindji L, Nataf S, Brachet P, Darcy F, Montero-Menei CN. Treatment of experimental autoimmune encephalomyelitis in rat by 1,25-dihydroxyvitamin D₃ leads to early effects within the central nervous system. *Acta Neuropathol(Berl)* 2003 May; 105(5): 438-48.

22- Lefebvre d'Hellencourt C, Montero-Menei CN, Bernard R, Couez D. Vitamin D₃ inhibits proinflammatory cytokines and nitric oxide production by the EOC13 microglial cell line. *J Neurosci Res* 2003 Feb 15; 17(4): 575-82.

23- Spach KM, Hayes CE. Vitamin D₃ confers protection from autoimmune encephalomyelitis only in female mice. *J Immunol* 2005 Sep 15; 175(6): 4119-26.

24- Meehan TF, Deluca HF. The vitamin D receptor is necessary for 1-alpha,25-dihydroxyvitamin D₃ to suppress experimental autoimmune encephalomyelitis in mice. *Arch Biochem Biophys* 2002 Dec 15; 408(2): 200-4.

Archive of SID

The Effect of Vitamin D₃ on the Inhibition of Experimental Autoimmune Encephalomyelitis in C57BL/6 Mice

^I *G. Mosayebi, Ph.D. ^{II} A. Ghazavi, MSc ^{III} M.A. Payani, BSc

Abstract

Background & Aim: Multiple sclerosis (MS) is a chronic autoimmune disease of unknown etiology affecting the central nervous system. The prevalence of MS is the highest where environmental supply of vitamin D is low. Some studies have shown a strong protective effect of vitamin D₃ on experimental autoimmune encephalomyelitis (EAE) of MS model, but it is not known how it affects EAE. Vitamin D₃ may inhibit EAE by affecting nitric oxide (NO) production. The present study was carried out to investigate the effect of vitamin D₃ on the evolution of MOG₃₅₋₅₅ induced EAE and level of nitric oxide in male C57BL/6 mice.

Materials and Methods: Male C57BL/6 mice with similar age and weight were placed in two therapeutic groups (n=8 per group) as follow: 1) Vitamin D₃-treated EAE mice (5 μg/kg/every two days of vitamin D₃ given i.p from day -3 until day +19 after disease induction), 2) non-treated EAE mice (EAE control) received vehicle alone with same schedule. In addition, 5 age and weight-matched male C57BL/6 mice served as normal (non-EAE) controls.

Results: The results showed that vitamin D₃-treated mice had significantly less clinical score of EAE (3.2±0.8) than non-treated EAE induced mice (5.3±0.44), (P=0.001). Also, there was a significant difference on the day of onset of disease between vitamin D₃-treated and non-treated EAE-induced mice (day 15±1 and day 11±1, respectively). NO concentration in vitamin D₃-treated mice was significantly lower than EAE control (P=0.008).

Conclusion: By considering the role of NO in the pathogenesis of EAE and MS, it seems vitamin D₃ has immune modulatory responses and can reduce or delay the onset of EAE by reducing NO production. Thus, vitamin D₃ is potentially important for treatment of MS.

Key Words: 1) Multiple Sclerosis 2) Experimental Autoimmune Encephalomyelitis (EAE)

3) Vitamin D₃ 4) Nitric Oxide 5) C57BL/6 Mouse

I) Assistant Professor of Immunology Department. School of Medicine. Sardasht, Pardis Complex. Arak University of Medical Sciences and Health Services, Arak, Iran. (*Corresponding Author)

II) MSc in Immunology. Instructor. School of Medicine. Sardasht, Pardis Complex. Arak University of Arak University of Medical Sciences and Health Services, Arak, Iran.

III) BSc in Biology. Immunology Department. Arak University of Medical Sciences and Health Services, Arak, Iran.